

سایه کرونا بر آسایشگاه سالمندان کهریزک
این ویروس آمده تا تنهایی‌شان را عمیق‌تر کند



علی محمدی / ایران

نگاهی به تأثیر کووید ۱۹ بر سبک زندگی و رفتار ما

بازی کرونا با جامعه ایرانی

حمیده امینی فرد

خبرنگار

مجازی را به بهترین‌های پر زرق و برق مال‌ها و پاساژها ترجیح دادند و تصاویر چند بعدی موزه‌های مجازی، نرخ گران سفرهای لوکس را ارزان کرد، برای نخستین بار سایت‌های هواپیمایی به جای دست چین کردن مشتری‌ها و دلخوش کردن به تراکش حساب های بانکی به انزوای خط آسمان تن دادند و به ناچار گزینه سفر از سبد خانوارها حذف شد.

کرونا در اوج بی‌نظمی به انضباط اجتماعی شهرها دامن زد و صفوف فشرده انسانی، جای خودش را به فاصله اجتماعی داد، نشانه‌های جدید شهری، به الفبای شهروندی اضافه و رعایت «فاصله‌های تعیین شده» به نشانه توجه به حق دیگری تعیین شد، ۹۰ روز پیش، ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی و همه آنچه امروز تصاویر شهرها را تغییر داده است، کالاهای مصرفی فروشگاه‌ها تعریف می‌شدند، اما حالا همین کالاهای عنوان «حیاتی» پیدا کرده‌اند، کرونا اگرچه در ابتدای ورودش با مبتلا کردن همه شهروندان در هر صنف و قشر و طبقه‌ای، نابرابری اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جهان سرمایه‌داری را شکست داد، اما بتدریج به توزیع کالاهای مصرفی دامن زد تا تنوع ماسک‌ها و دستکش‌ها، مد این روزهای طبقه حاکم شود.

شهروندان حالا با ماسک‌های سفید و مشکی چهره جدیدی از پوشش شهری را به نمایش گذاشته‌اند، میدان تجریش، انقلاب، راه آهن، در شمالی‌ترین یا جنوبی‌ترین نقطه، اصالت با فردی است که به این پوشش تن داده است، طبقه ضعیف اگرچه زیر بار فشارهای ناخواسته اقتصادی کمر خـم کرده، اما احترام اجتماعی بیش از گذشته رسمیت پیدا کرده است، واژه حریم خصوصی با رعایت فاصله گذاری‌ها به ادبیات حقوق شهروندی راه یافته و حمل‌ونقل عمومی به‌عنوان ساده‌ترین راه انتقال فرهنگ درون شهری، بازتاب تغییرات گسترده بعد

از کرونا شده است.

این روزها «صندلی‌های نشانه‌گذاری شده» درمترو و اتوبوس به‌عنوان نماد حقوق شهروندی شناخته می‌شوند و «اجبار به زدن ماسک» به یک کنش فعال اجتماعی بدل شده است!

مشارکت اجتماعی شهروندان در ترغیب یکدیگر به اجرای پروتکل‌های بهداشتی، بیش از همیشه «نظارت عمومی» را افزایش داده، مردم حتی جلوتر از مصوبات ستاد ملی کرونا با راه‌اندازی کمپین‌های همدلانه، فاصله اجتماعی داد، نشانه‌های جدید شهری، به الفبای شهروندی اضافه و رعایت «فاصله‌های تعیین شده» به نشانه توجه به حق دیگری تبدیل شد، ۹۰ روز پیش، ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی و همه آنچه امروز تصاویر شهرها را تغییر داده است، کالاهای مصرفی فروشگاه‌ها تعریف می‌شدند، اما حالا همین کالاهای عنوان «حیاتی» پیدا کرده‌اند، کرونا اگرچه در ابتدای ورودش با مبتلا کردن همه شهروندان در هر صنف و قشر و طبقه‌ای، نابرابری اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جهان سرمایه‌داری را شکست داد، اما بتدریج به توزیع کالاهای مصرفی دامن زد تا تنوع ماسک‌ها و دستکش‌ها، مد این روزهای طبقه حاکم شود.

شهروندان حالا با ماسک‌های سفید و مشکی چهره جدیدی از پوشش شهری را به نمایش گذاشته‌اند، میدان تجریش، انقلاب، راه آهن، در شمالی‌ترین یا جنوبی‌ترین نقطه، اصالت با فردی است که به این پوشش تن داده است، طبقه ضعیف اگرچه زیر بار فشارهای ناخواسته اقتصادی کمر خـم کرده، اما احترام اجتماعی بیش از گذشته رسمیت پیدا کرده است، واژه حریم خصوصی با رعایت فاصله گذاری‌ها به ادبیات حقوق شهروندی راه یافته و حمل‌ونقل عمومی به‌عنوان ساده‌ترین راه انتقال فرهنگ درون شهری، بازتاب تغییرات گسترده بعد

کرونا در اوج بی‌نظمی به انضباط اجتماعی شهرها دامن زد و صفوف فشرده انسانی، جای خودش را به فاصله اجتماعی داد، نشانه‌های جدید شهری، به الفبای شهروندی اضافه و رعایت «فاصله‌های تعیین شده» به نشانه توجه به حق دیگری تعیین شد، ۹۰ روز پیش، ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی و همه آنچه امروز تصاویر شهرها را تغییر داده است، کالاهای مصرفی فروشگاه‌ها تعریف می‌شدند، اما حالا همین کالاهای عنوان «حیاتی» پیدا کرده‌اند

عشق‌های حضوری» را یادمان بود، حتی برخی‌مان آنقدر کنج‌خانه‌ها کز کرده‌ایم که نگرانیم طعم گوشه نشینی، لذت ملاقات‌های حضوری را فراموشمان کند.

سبک زندگی ما حالا تحت تأثیر شرایطی قرار گرفته که اگرچه در ظاهر به نفع همه ما تعریف می‌شود، اما در باطن ترسناک است. برخی‌هایمان می‌خواهیم نقاص روزهای در خانه ماندن را از خیابان‌ها بگیریم. برای همین مرحله بازگشایی‌ها به مرحله «پریسک‌ها» نرسیده، به خارج از خانه‌ها هجوم می‌بریم، حتی هشدارها و توصیه‌ها هم جلودارمان نیست، انتظار ما حالا برای بازگشایی رستوران‌ها، کافه‌ها و باشگاه‌هایی

است که در این ۳ ماه در حسرتش بوده‌ایم. اما ضمیر ناخودآگاه ما هنوزهم هوشیارانه می‌پرسد آیا می‌توان مثل گذشته به این فضاها شناخته می‌شویم و «اجبار به زدن ماسک» به یک کنش فعال اجتماعی بدل شده است!

مشارکت اجتماعی شهروندان در ترغیب یکدیگر به اجرای پروتکل‌های بهداشتی، بیش از همیشه «نظارت عمومی» را افزایش داده، مردم حتی جلوتر از مصوبات ستاد ملی کرونا با راه‌اندازی کمپین‌های همدلانه، فاصله اجتماعی داد، نشانه‌های جدید شهری، به الفبای شهروندی اضافه و رعایت «فاصله‌های تعیین شده» به نشانه توجه به حق دیگری تعیین شد، ۹۰ روز پیش، ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی و همه آنچه امروز تصاویر شهرها را تغییر داده است، کالاهای مصرفی فروشگاه‌ها تعریف می‌شدند، اما حالا همین کالاهای عنوان «حیاتی» پیدا کرده‌اند

دید و بازدیدهای عید بود، نرخ‌های نجومی مقاصد گردشگری، حال‌مان را خراب کرده بود، خیلی‌هایمان در دو دو تا چهارتا کردن خرج زندگی مانده بودیم تا اینکه کرونا همه معادلات ذهنی‌مان را برهم زد، مغازه‌های پوشاک، آژانس‌های گردشگری، رستوران‌ها، مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و در نهایت در خانه‌ها بـسته شد.

آن روز فکر نمی‌کردیم دلمان برای دیدن یک چهره آشنا تنگ شود یا در حسرت یک دید و بازدید شبانه بمانیم. اما از ۹۰ روز پیش تا همین حالا جز برای عده محدودی که ناخواسته یا خواسته پروتکل‌ها را شکسته‌اند، برای اغلب ما هنوز هم این مفاهیم «غریبه» است! خیلی‌هایمان می‌ترسیم برای همیشه طعم «بغل کردن»، «روپوسی کردن»، «دست دادن» و «ایز

است که در این ۳ ماه در حسرتش بوده‌ایم. اما عده‌ای در زورآزمایی هنوزهم هوشیارانه می‌پرسد آیا می‌توان مثل گذشته به این فضاها شناخته می‌شویم و «اجبار به زدن ماسک» به یک کنش فعال اجتماعی بدل شده است!

مشارکت اجتماعی شهروندان در ترغیب یکدیگر به اجرای پروتکل‌های بهداشتی، بیش از همیشه «نظارت عمومی» را افزایش داده، مردم حتی جلوتر از مصوبات ستاد ملی کرونا با راه‌اندازی کمپین‌های همدلانه، فاصله اجتماعی داد، نشانه‌های جدید شهری، به الفبای شهروندی اضافه و رعایت «فاصله‌های تعیین شده» به نشانه توجه به حق دیگری تعیین شد، ۹۰ روز پیش، ماسک، دستکش، ژل ضدعفونی و همه آنچه امروز تصاویر شهرها را تغییر داده است، کالاهای مصرفی فروشگاه‌ها تعریف می‌شدند، اما حالا همین کالاهای عنوان «حیاتی» پیدا کرده‌اند

۹۰ روز پیش، مرزهای سنی کنار رفت. فکر می‌کردیم سالمندان قربانیان اصلی کرونا هستند، اما این ویروس زودتر از همه تحلیل‌ها و برداشت‌ها، طبقه‌بندی سنی مبتلایان و فوتی‌ها را برهم زد، کرونا حتی نظام آموزشی و دانشگاهی را هم هدف قرار داد تا برتری فضای مجازی را بر امکان فیزیکی به رخ بکشد. راه آموزش‌های آنلاین خیلی زود به صفحات تلفن‌های همراه باز شد و شیوه جدید آموزش با این حال کمتر رسانه‌ای از جانشناهای و رشادتهای این سربازان بی‌ادعا سخن گفته است. در همان روزهای نخست اپیدمی سرعت شیوع گسترده ویروس کرونا و رفتار شدن تمامی استان‌های کشور به این بحران ناشناخته و ناخواسته آن چنان زیاد بود که همه کسب و کارها یک به یک تعطیل شدند. در این میان تنها گروهی که کارشان به تعطیلی کشیده نشد و ناچار به کار کرد در ساعات بیشتری از شبانه روز هم هستند پرستاران و کادر پزشکی‌اند. به همین بهانه در صفحات ویژه روزنامه ایران که امروز منتشر شده است با خانواده ننی چند از شهدای خدمت صحبت کرده‌ایم که در زیر می‌خوانید:



اعتمادسازی رسانه در پسا کرونا

اگر کرونا را به مثابه یک بحران بدانیم، باید شاخص‌های روزنامه نگاری بحران را در مورد آن پیاده کرده و در نظر بگیریم. در روزنامه نگاری بحران، سه مرحله پیش از بحران، هنگام و پس از بحران وجود دارد. رسانه‌ها از همان مرحله اول، یعنی مرحله پیش از بحران باید هشدارهای لازم را ارائه داده و آمادگی عمومی ایجاد کنند تا مسئولان با جلوگیری از غفلت‌های احتمالی مانع از اتلاف هزینه‌های اضافی شوند.

متأسفانه در بحران کرونا این اتفاق به‌طور کامل نیفتاد اما در ادامه بحران، رسانه‌ها سعی کردند به این موضوع بویژه از جنبه آموزش بیشتر بپردازند.

شاید رسانه‌ها در هنگام بحران، در حوزه اطلاع‌رسانی در خصوص رعایت بهداشت فردی، اجتماعی، فاصله‌گذاری اجتماعی و تمهیدات لازم برای مواجهه با بحران، خوب عمل کرده باشند اما به طور شایسته کافی نبوده است، لازم بود که همزمان، جست‌وجو و کندوکاو در تمامی ابعاد بحران صورت می‌گرفت و آمارهای دقیق و شفاف ارائه می‌شد و اعتماد مردم به آمارهای دولتی جلب می‌شد. در زمینه ارائه آمارها، دولت باید منظم‌تر عمل می‌کرد، رسانه‌ها هم به دلایل مختلف بازگوکننده اطلاعات رسمی بودند. در این جریان، روزنامه نگاری را حل گرا، ضمن تمرکز بر وجود مسأله با فعال کردن ظرفیت‌های کارشناسی، می‌تواند با ارائه راه حل در جهت مواجهه با بحران، مؤثرتر و کارآمدتر عمل کند. درست است که در برخی موارد قصورهایی وجود داشته اما نسبت به قبل از بحران، در هنگام بحران، رسانه‌ها، بهتر عمل کردند.

در رابطه با پساکرونا شاید زود باشد که از امروز بخواهیم صحبت کنیم، چون هنوز در ادامه راه هستیم. شاید لازم باشد که رسانه‌ها، همزیستی با ویروس کرونا را به مردم آموزش دهند. البته در وهله اول باید این سؤال مطرح شود که آیا اساساً، پساکرونایی وجود دارد؟ باید دیدگاه‌های تخصصی و پزشکی در پاسخ به این سؤال جست‌وجو شود، شاید لازم باشد مانند ویروس آنفلوانزا، مردم آموزش‌های لازم را برای همزیستی با این ویروس بیاموزند.

از هم‌اکنون باید، تمهیدات لازم فراهم شود تا عوارض روانی و حتی فیزیکی تحمل این دوره، برای مردم راحت‌تر شود. کرونا، ممکن است شیوه کسب و کارها را هم به طور کامل تغییر دهد، پس هم دولت و هم جامعه باید آماده باشند و در این میان، این رسانه‌ها هستند که موظف هستند، آمادگی‌های لازم را ایجاد کنند.

آنچه مسلم است، شیوه آموزش، کسب و کار و سرگرمی و تعاملات اجتماعی، در دوران پساکرونا تحت تأثیر قرار می‌گیرند. حتی شیوه تعامل دولت با مردم و امید اجتماعی و بازسازی روانی نیز تغییر می‌کند. با کمک رسانه‌ها مردم باید به این باور برسند که، دولت و حاکمیت در مواجهه با این بحران همه تدابیر لازم را در نظر دارند و در عین حال هم مشارکت عمومی هم باید فراخوانده شود تا مردم، کارشناسان و صاحبزنان فعالانه برای ارائه راه حل‌های کاربردی وارد عمل شوند.

البته در این مسیر صاحبزنان علوم انسانی و اجتماعی سهم عمده‌ای دارند و در نهایت هم باید بسیج عمومی از کلیه ظرفیت‌ها با کمک رسانه‌ها به کار گرفته شود. در مجموع رسانه‌ها، باید ابعاد فرهنگی و اجتماعی موضوع را بررسی و تحلیل کنند و عوامل چگونگی کاهش این پدیده را پیشنهاد دهند تا در نهایت دولت با برنامه‌ریزی دقیق و مناسب بتواند پس از عبور از اوج بیماری، ابعاد اقتصادی، کسب و کارها، عوارض روانی و اخلاقی و بهداشت عمومی و فردی را به درستی مدیریت کند.

در این مسیر استفاده از تجارب جهانی و راه حل‌های عملی نیز می‌تواند مؤثر باشد.

گفت وگوی «ایران» با خانواده‌های شماری از پزشکان شهدای خدمت

آنها از جان خود برای مردم گذشتند

فریبا خان احمدی

خبرنگار

با گذشت نزدیک به سه ماه از آغاز شیوع کووید۱۹ سازمان نظام پزشکی کشور از جان باختن ۱۰۷ پزشک و پرستار، دندانپزشک، ماما و گروه‌های پیراپزشکی در کشور خبر می‌دهد. بیستم اسفند سال گذشته بود که دکتر نمکی وزیر بهداشت از رهبر معظم انقلاب درخواست کرد تا جانباختگان کادر درمانی مقابله با کرونا شهید معرفی شوند. بعد از آن با موافقت رهبر معظم انقلاب جانباختگان کادر درمانی مقابله با کرونا شهید خدمت شدند. مدافعی که همچون رزمندگان دفاع مقدس با تجهیزات اندک و دست خالی به جنگ با هیولای ناشناخته‌ای به‌نام ویروس کرونا رفتند. آخرین امار مبتلایان کادر درمان به ویروس کرونا نشان می‌دهد: تاکنون ۳۱۵ نفر از پرسنل و گروه‌های مختلف پزشکی، پرستاری و پیراپزشکی به این ویروس فوت کرده‌اند. فهرست اسامی پزشکان و پرستاران فوت شده بر اثر کرونا نشان می‌دهد که بیشترین فوتی پرستاران مربوط به استان گیلان است. همچنین بیشترین فوتی از گروه کادر درمان در استان تهران، بابل و قم گزارش شده است. در اصفهان، شیراز و تبریز و کاشان هم مواردی از فوت کادر درمان دیده می‌شود.

کادر درمانی، پرستاری و پزشکان شهر قم بیش از همه در خط مقدم خطر رفته و با توجه به کمبودها به بیماران و مردم شهر خود سلامتی را به ارمان آورند. همان‌هایی که در هفته‌های اول شیوع کووید۱۹ در ایران و بلا رفتن آمار مرگ‌ها، خبر فوت‌شان شوکی بزرگ را به کادر درمان وارد کرد. اوضاع زمانی نگران‌کننده شد که در میان این جانباختگان، پرسنل جوان و بدون سابقه بیماری زمینه‌ای هم دیده می‌شد. خستگی و درماندگی مردم از یک سو و مرگ بالای پزشکان و پرستاران در مراکز درمانی کشور اوضاع را بسیار نگران‌کننده کرده بود. اگرچه موج ابتلای پزشکان، پرستاران و کادر درمانی و خدماتی بیمارستان‌ها به ویروس کرونا در همان روزهای اول اپیدمی فراگیرتر از اخبار رسمی منتشر شد اما با این حال کمتر رسانه‌ای از جانفشانی‌ها و رشادتهای این سربازان بی‌ادعا سخن گفته است. در همان روزهای نخست اپیدمی سرعت شیوع گسترده ویروس کرونا و رفتار شدن تمامی استان‌های کشور به این بحران ناشناخته و ناخواسته آن چنان زیاد بود که همه کسب و کارها یک به یک تعطیل شدند. در این میان تنها گروهی که کارشان به تعطیلی کشیده نشد و ناچار به کار کرد در ساعات بیشتری از شبانه روز هم هستند پرستاران و کادر پزشکی‌اند. به همین بهانه در صفحات ویژه روزنامه ایران که امروز منتشر شده است با خانواده ننی چند از شهدای خدمت صحبت کرده‌ایم که در زیر می‌خوانید: